

علیرضا اسماعیلی^۱

نورعلی برومند، گنجینه موسیقی ایرانی، به روایت اسناد

در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ ش، در اوضاع و احوالی که موسیقی اصیل ایرانی، همچون دیگر مظاہر فرهنگ ایرانی، مقهور فرهنگ غربی شده بود و با رواج موسیقی‌های بی‌محتوا و سطحی، رو به زوال و اخاطاط می‌رفت، نورعلی برومند در صحنه موسیقی ایران ظهر کرد و با ترویج شیوه تدریس سینه‌به‌سینه موسیقی سنتی، در نجات و اعتلای آن کوشید.^۲

او «رسختانه و کاملاً آگاهانه» با درآمیختن موسیقی غربی با موسیقی سنتی ایران مخالف بود و معتقد بود که «اگر قرار است موسیقی ما تغییری پیدا کند یا تغییری در موسیقی ما داده شود»، این کار باید به تدریج در مسیر تاریخی آن صورت گیرد.^۳ او همچنین با بدیهه‌نوازی غلط مخالف بود و اغلب به هنرجویانش تأکید می‌کرد که «ردیف‌ها را خوب یاد بگیرند. وقتی خوب مسلط شدند، برآساس آنها بدایه‌نوازی کنند و قطعه‌های نوتری پدید بیاورند».^۴ به قول استاد علی‌اکبر شکارچی، تسلط و احاطه برومند بر چهار مقوله «ردیف‌سازی»، «ردیف آوازی»، «ریتم» و «شناخت وزن شعر فارسی و ارتباط آن با ریتم موسیقی» جامعیتی در او پدید آورده بود که بی‌گمان برای آن نظری در اقران و معاصرانش نمی‌توان جست.^۵

برومند در سال ۱۲۸۵ ش در تهران متولد شد.

پدرش، عبدالوهاب خان برومند، از جواهرسازان و جواهرشناسان معروف تهران بود که در زمینه پرورش گل نیز مهارت داشت. خانه آنان، در محله امیریه تهران، با باغ مصفاپیش کانون و محفل بزرگان موسیقی ایران بود و همواره از آن نوای تار درویش خان، ویولن حسام‌السلطنه، آواز طاهرزاده و سایر هنرمندان معروف آن زمان به گوش می‌رسید.^۶

برومند، که در چنین محیطی پرورش یافته بود، از همان دوران طفولیت «به موسیقی عشق و علاقه» پیدا کرد و «نواهای موسیقی» در روحش اثر فراوان گذاشت؛ چنان‌که از هفت سالگی ضرب می‌نواخت و استادان بزرگ را با ضرب همراهی می‌کرد.^۷ برادرش، محمودعلی برومند، روایت جالی از شیوه فرآگیری ضرب نورعلی دارد:

بچه که بودیم، یک پیراهن بلند می‌پوشیدیم، با یک شلوار. نوری بیشتر توی اتاق‌ها بود و من بیشتر بیرون

نورعلی برومند (۱۲۸۵-۱۳۵۵ ش) از حاملان اصلی ردیف موسیقی ایرانی از دوران گذشته به روزگار ماست. او تار را نزد درویش خان، ستور را نزد حبیب سماعی، ردیف میرزا عبدالله را نزد اسماعیل قهرمانی، و آواز را نزد سیدحسین طاهرزاده آموخت و از تبارب استادان صمام‌الدوله، رضا روانبخش، عبدالله دوامی، حاج آقا محمد ایرانی مجرد بهره برد. او موسیقی اروپایی را نیز در آلمان آموخت. برومند سال‌ها مدرس موسیقی دانشکده هنری‌های زیبا و از مؤسسات مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ملی بود. او از چهره‌های شاخص تاریخ موسیقی ایرانی است و در حفظ و انتقال سنت موسیقی ایرانی به روزگار ما نقش مهمی داشته است. در این مقاله، اسنادی درباره برومند و زندگی او منتشر و بررسی می‌شود.

دانشگاه تهران

دانشکده هنرهای زیبا

اداره

دایره

سازمان

تاریخ

نمایه

دارد»^{۱۴} و « فقط محیط بومی ماست که زمینه را برای موسیقی ایرانی مهیا می‌کند»^{۱۵}. برومند به موسیقی اروپایی علاقه‌مند شد و به آموختن پیانو پرداخت و با سبک‌های مختلف موسیقی اروپایی، بهویژه سبک موتسارت، آشنا شد^{۱۶} و در آنها چندان مطالعه و بررسی کرد که استادانش به او پیشنهاد کردند در زمینه موسیقی غربی تحصیل کند.^{۱۷} وقتی که برومند پس ازأخذ دیپلم به ایران بازگشت، استادش، غلامحسین خان درویش، در قید حیات نبود. بنا بر این، در مدت اقامت کوتاهش در ایران (یک سال) نزد یوسف فروتن و ابوالحسن صبا به تقریب سه تار پرداخت.^{۱۸} در همین مدت بر دانش و مهارت خود در زبان‌های فرانسوی و انگلیسی نیز افزود.^{۱۹}

در سال ۱۳۰۸ش، در حالی که ۲۳ سال از عمرش می‌گذشت، به رغم علاقه‌اش به موسیقی، به اصرار پدر برای فراگرفتن علم طب مجدداً عازم برلین شد. او طی نه سال تا مراحل پایانی رشته پیشکشی پیش رفت؛ اما بر اثر از دست دادن بینایی، تحصیل در پیشکشی را رها کرد و ناچار در سال ۱۳۱۷ش به ایران بازگشت.^{۲۰} گویا تقدیر چنین بود که برومند با از دست دادن کامل بینایی و رها کردن پیشکشی، قاع قوای خود را صرف حفظ و پیشبرد موسیقی ایرانی کند و به جای تلاش در مسیر سلامت جسم هم‌وطنانش، به سلامت روح آنان کمک کند.

آشنايی کامل به موسیقی غربی و تسلط بر نواختن پیانو در کنار تسلط بر زبان و ادبیات آلمانی و فرانسوی و انگلیسی حاصل اقامت چهارده ساله برومند در اروپا بود.^{۲۱} برومند پس از بازگشت به ایران، به مدت دوازده سال فنون ستور را نزد حبیب سماعی، «بزرگ‌ترین و آخرین استاد مطلع این ساز»، آموخت.^{۲۲} سپس طی سیزده سال، «قام مطالی» را که اسماعیل قهرمانی «از موسیقی ملی ایران در ضبط داشت» فراگرفت:^{۲۳}

آرزو داشتم که آنچه از علم و عمل انباشته نگه داشتم، به آموزگاری خوش ذوق و حافظه و مستعد به یادگار بسپارم [...]; تا اینکه از طرفین سعادت یاری و جاذبه معنوی جذب کرده به محض مغتم سرور مکرم خودم، آقای نورعلی خان برومند، خوانده شدم و هرچه از پیر استاد داشتم به وديعه سپردم و در نظم و نثر موسیقی، روایت ایشان را تصدیق می‌دانم و تصدیق دارم.^{۲۴}

برومند علاوه بر تسلط بر رموز ساز، به رموز آواز

جناب آقا! دکتر میرنوری^{۲۵} معاون مختار علمیات و تحقیقات

دانشکده هنرهای زیبا

خطب برگزیده شماره ۶۸۸۵ - ۱۳۴۲/۱۱/۱۳ راجع به آقای نورعلی برومند

هنرمند بنام کهور نظر این پنج نیمابرای اعطای رتبه استادی به ایشان استفسار

فرموده اید تصدیع مید هد

برای من بسیار خیرخواهی است که بکار از شورای انقلاب آموزشی جهاد اسلامی

استادی آقای نورعلی برومند در زمینه موسیقی ایران، قول است که هنرمندان

طریز اول این کشور جملکی برآتند. من تصدیق میکنم که آقای برومند تنها وارث شایسته

و سنتار هنرموسیقی سنت ایران بیانیشد و از پیش اعطای این مقام را به این استاد ارجمند

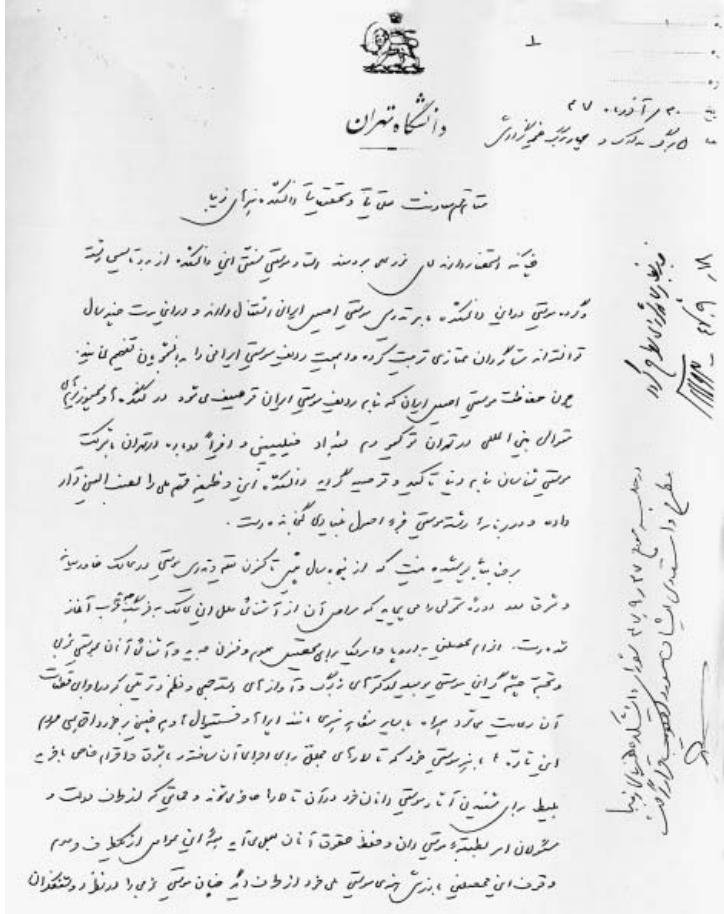
به دانشگاه تهران تبریز میکنیم و صرف خود را از شورای انقلاب آموزشی نسبتو ن

کشان کم - ح

علیمحمد حیدریان

توی گل‌ها و سبزه‌ها و درخت‌ها بودم. بعضی اوقات که از بیرون می‌آمدم، می‌دیدم نوری خوابیده و پیراهنش را بالا زده و روی شکمش ضرب می‌کرید. در واقع نوازنده‌گی تنبک را این طور شروع کرد!^{۲۶}

برومند از سیزده سالگی به تشویق پدرش به مدت سه سال نزد غلامحسین خان درویش، استاد مسلم تار، یک دوره ردیف موسیقی ایران را فراگرفت.^{۲۷} علاقه مفرط او به موسیقی و غفلت از درس و تحصیل و ناینیاشدن یکی از چشمانش بر اثر اصابت ضربه مشت یکی از همبازی‌هایش باعث شد تا پدرش او را در شانزده سالگی برای تحصیل و معالجه چشم به برلین بفرستد.^{۲۸} تا قبل از آن، او در مدارس خرد، شرف مظفری، و دارالفنون تا کلاس هشتم دبیرستان تحصیل کرده بود.^{۲۹} او در آلمان به زبان آلمانی تسلط کامل یافت و موفق به أخذ دیپلم متوسطه شد. تسلط او به زبان آلمانی به حدی بود که در مجلات آلمانی مقاله می‌نوشت.^{۳۰} در این مدت، به رغم این که روشنک (سه‌تار کوچکش) را با خود به آلمان برد بود، هرگز از آن استفاده نکرد؛^{۳۱} زیرا «معتقد بود موسیقی ایرانی با فرهنگ و نحوه زندگی اروپاییان کاملاً منافات



حقیقی گنجینه گران‌های موسیقی ملی^{۱۳} نامید؛ و بر اساس پیشنهاد شورای گروه موسیقی، خواستار تصویب درجه استادی او شد. با توجه به نکات مهمی که در این نامه در خصوص نورعلی برومند و وضع موسیقی سنتی ایران در آن زمان هست، متن کامل آن در ذیل عرضه می‌شود:

سند شماره ۱
[شیر و خورشید]
دانشگاه تهران

تاریخ: ۲۰ آذر ماه [۱۳]۴۷، ضمیمه: ۵ برگ مدارک و چهار برگ ضمیمه گزارش مقام محترم معاونت تعلیماتی و تحقیقاتی دانشکده هنرهای زیبا

چنان‌که استحضار دارند، اقای نورعلی برومند، استاد موسیقی سنتی این دانشکده، از بدو تأسیس رشته و گروه موسیقی در این دانشکده، به امر تدریس موسیقی اصیل ایرانی اشتغال دارند و در این مدت چند سال توانسته‌اند شاگردان متازی تربیت کرده و

نیز آشنایی کامل داشت؛ و همان‌طور که خود گفته، اگرچه «از صوت خوش بی‌نصیب» بود؛ «برای اطلاع از رموز خوانندگی، از وجود یکی از مشهورترین خوانندگان اصیل عصر خود، به نام سیدحسین طاهرزاده» استفاده کرد و «آنچه طاهرزاده در خوانندگی خود به کار می‌برد آنها را به وسیله خود او روی نوار ضبط» کرد و «به تبع و مطالعه دقیق روی آنها» پرداخت تا بتواند «حالات الحان و نعمات ملی را، هم روی ساز و هم روی آواز به خوبی مقایسه» کند و خصوصیات آنها را دریابد.^{۱۴} او در آواز از سبک طاهرزاده، که منتبه به مکتب آواز اصفهان بود، استفاده می‌کرد.^{۱۵} از آنجا که برومند سه تار را از «سازهای اصیل و قدیمی و کامل موسیقی ایران» می‌دانست، در «نوازندگی این ساز اصیل و اهل دل» کوشش بسیار کرد.^{۱۶}

برومند در مسیر کسب دانش موسیقی سنتی، به جز استادانی که ذکر شد، از تجارب ارزشمند کسانی همچون صمصام‌الدوله، رضا روانبخش، عبدالله دوامی، و حاج آقا محمد ایرانی مجرد بود؛ و در واقع، همچنان که خود گفته است، «استاد مطلع و سرشناسی در مملکت نبود که از محضرش استفاده» نکند و «یا از شاگردی اش بهره‌مند» نشود؛^{۱۷} «خلاصه آن که هر کجا و هر گوشه که اطلاع پیدا می‌کردم که آهنگ اصیلی وجود دارد اقدام در آموختن و به دست آوردن آن می‌کردم.»^{۱۸}

برومند پس از مراجعت به ایران، با کمک و تشویق نوری اسفندیاری، وزیر وقت پیشه و هنر، که نسبت دوری هم با خانواده او داشت، به استخدام وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش وقت) درآمد؛^{۱۹} و از سال ۱۳۱۸ تا ۱۳۴۳ش به تدریس زبان و ادبیات آلمانی در هنرسای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پرداخت.^{۲۰}

در سال ۱۳۴۴ش، با درخواست دکتر مهدی برکشلی، مدیر گروه موسیقی دانشکده هنرهای زیبا، برومند مأمور تعلیم ردیف موسیقی ایرانی در کلاس‌های آن دانشکده شد.^{۲۱} پس از سه سال تدریس برومند در دانشکده، برکشلی طی نامه‌ای به معاون تعلیماتی و تحقیقاتی دانشکده هنرهای زیبا، از سوابق درخشان برومند در موسیقی یاد کرد و خدمات شایسته و یگانه‌ای در تعلیم و ترویج موسیقی سنتی بین دانشجویان را بر شمرد و او را «تنها وارث سنت قدیمی موسیقی ایرانی» و «وارث



اهمیت رید موسیقی ایرانی را به دانشجویان تفہیم نمایند. چون حفاظت موسیقی اصیل ایران، که به نام رید موسیقی ایران توصیف می شود، در کنگرها و سمپوزیومهای متوالی بین المللی در تهران، توکیو، رم، بغداد، فیلیپین، و اخیراً دوبایاره در تهران با شرکت موسیقی‌شناسان بین‌المللی قرار داده است. از این‌جا می‌توان آن را به عنوان یکی از اصلی‌ترین اثارات ایرانی در جهان معرفی کرد. این امر از این‌جا برای دانشجویان ایرانی می‌باشد که می‌توانند این را در پژوهش‌های علمی خود در نظر بگیرند.

بر جناب عالی پوشیده نیست که از پنجاه سال پیش تا کون، تعلیم و تدریس موسیقی در مالک خاورمیانه و شرق دور، دوره تحولی را می‌پیماید که مراحل آن از آشنازی ملل این مالک به فرهنگ جدید غرب آغاز شده است. اعزام محصلین به اروپا و آمریکا برای تحصیل علوم و فنون جدید و آشنازی آنان به موسیقی غربی و تجسس چشم‌گیر این موسیقی به وسیله ارکسترها بزرگ و اوایلهای دسته‌جمعی و نظم و ترتیبی که در اجرای قطعات آن رعایت می‌شود همراه با سایر مظاهر هنری، مانند اپراها و فستیوالها و همچنین برخورد اجتماعی مردم این قاره‌ها با هنر موسیقی خود، که تالارهای مجلل برای اجرای آن ساخته و با شوق و احترام خاص با خرید بلیت برای شنیدن آثار موسیقی دانان خود در آن تالارها حاضر می‌شوند و حمایتی که از طرف دولت و مسؤولان امر به طبقه موسیقی دان و حفظ حقوق آنان به عمل می‌آید، همه این عوامل از یک طرف، و عدم وقوف این محصلین به ارزش هنری موسیقی ملی خود از طرف دیگر، چنان موسیقی غربی را در نظر رoshنگران مالک شرق باشکوه



جلوه داد که در مراجعت به وطن، موسیقی خود را نوعی موسیقی عقیمانه و ابتدایی تلقی نمایند و در تحولات اجتماعی، فرهنگی، صنعتی، و علمی که به دست همین روشنگران طی نیمقرن اخیر در این مالک انجام گرفته، موسیقی ملی خود را نیز در شمار سایر مظاهر علمی و فنی، مانند طب و صنعت، قابل اصلاح و تقلید بهوسیله روشهای آموزشی مغزبرزین بدانند و پیش از آنکه مسائل پیچیده تلقیق این روشها، چنان‌که با سیر تحول طبیعی موسیقی ملی مغایر نباشد و از اصالت آن نکاهد و آن را در مسیر منطقی و علمی پیش برد روشنگری کرد، عجولانه این روش‌ها را در تعلیم و تدریس موسیقی به نسل جوان به کار بردند.

با این طرز فکر، مسؤولان آموزش موسیقی در مالک شرق از پنجاه سال پیش با بی‌بالانی غیرقابل بخششی استادان قدیمی موسیقی را، که روشهای سنتی موسیقی را از هزاران سال پیش نسل‌بنسل و سینه‌بسینه حفظ کرده بودند، چنان در معرض بی‌اعتنایی نسل جوان قرار دادند که بعذرداری داود طلبی برای تحصیل و تعلیم موسیقی سنتی و ملی به آن استادان مراجعه می‌کرد؛ و آنان که در این راه قدم می‌گذارندند مورد تحقیر همسالان خود قرار می‌گرفتند. نتیجه این رفتار آنکه موسیقی‌دانانی که در مالک مشترقبهای موسیقی ملی خود آشنازی کامل داشته باشند انگشت شمارند و چون اغلب آنان در سنین اخر عمر به سر می‌برند، طی نیمقرن اخیر یک‌بیمیک دار فانی را وداع گفته و در هرملکت چند نفری بیشتر باقی نمانده‌اند.



توجهی که به این امر ملی معطوف می‌گردید، رغبی برای تدریس نشان نمی‌دادند؛ چون تأسیس رشته موسیقی را در داشتکده کاری اساسی دانسته و در نگهداری سنت موسیقی ایران به فال نیک گرفته و در این وظیفه ملی خود را شریک دانستد، دعوت فوق را پذیرفته و با کمال اعلاقه به تدریس پرداخته‌اند.

اقای نورعلی برومدن پس از طی تحصیلات متوسطه وأخذ لیسانس علوم طبیعی، تحصیلات عالیه خود را تا حدود خاتمه تحصیل (یک سال مانده به دوره دکتری) ادامه دادند (مدرک شماره ۱، ارزشناهه تحصیلی). قبل از عزیمت به آلمان و ابتدای جوانی، با عشق و علاقه خاصی طی سالهای متوالی، یک دوره کامل موسیقی ایرانی را با نزد استاد بزرگ، درویش‌خان، تعلیم گرفته و پس از مسافرت به آلمان نیز مرتباً با اسبابهای موسیقی و ریف موسیقی ایران تماش داشته‌اند.

از سال ۱۳۱۷ به بعد که فرستت پیشتری یافتند، نواختن سازهای سهتار و سنتور را نزد اساتید فن، مانند حبیب سماعی، حسین هنگاهفین، و بخصوص اسماعیل قهرمانی، که کلیه موسیقی‌دانان کشور به معلومات آنان در مورد ریف موسیقی ایران معرف بوده‌اند، فراگرفته و ریف آواز را با استاد بزرگ، طاهرزاده، تکمیل نموده‌اند و تاکنون نیز هیچ‌گاه از مطالعه ریفها و گوشمهای اصیل موسیقی ایرانی غافل نمانده‌اند. و اکنون که استادان فوق همگی دار فانی را داده‌اند، بدون مجامله‌منی توان ایشان را وارد حقیقتی کججه‌نیه کراندهای موسیقی ملی دانست.

تدریس آقای برومدن در داشتکده از بدو تأسیس رشته موسیقی مورد توجه مؤسسات تحقیقاتی موسیقی‌شناس دنیا قرار گرفت؛ چنان‌چه طی چند سال گذشته، عده‌های از موسیقی‌شناسان بنام دنیا به منظور تحقیق در چگونگی روش تدریس موسیقی سنتی به داشتکده آمده و در درس ایشان حضور یافتند؛ از آن جمله‌اند پروفسور آلن دانیلو، مدیر انسیتوی بین‌المللی مطالعات مقایسه‌ای

بعضی از مالک‌بی این قصور بی برده و پیش از آنکه خطر چیرگی موسیقی غربی بر سراسر فعالیت‌های موسیقی کشوار موسیقی ملی را دستخوش اضمحلال کامل نماید، در صدد چارچوبی برآمدند. از آن جمله‌اند زاپ، که غایب‌داش در کفرانس بین‌المللی «آموزش موسیقی در کشورهای شرق» (در تهران از ۱۶ تا ۲۱ شهریور ۱۳۴۶)، اظهار نمود: «چند سال پیش وزارت آموزش زاپ بی اهمیت موسیقی سنتی بود و بخشی از برنامه را به این موسیقی اختصاص داد. این توجه در نتیجه اقبال مردم زاپ به این موسیقی بود. این دک‌گوئی را باید با این مثال بیان کرد که زاپیان در ابتدای کار به موسیقی اروپایی، مثلاً به بتهوون، گویی از پایین کوه به قله می‌نگریستند؛ و پس از آنکه اندکاندک از کوه بالا رفند و به قله رسیدند، یعنی در مکتبهای موسیقی غربی به درجه نهایی رسیدند، قله دیگری جلب نظر ایشان را نمود و آن موسیقی سنتی زاپی بود.»

دانشکده هنرهای زیبا از بدو تأسیس رشته موسیقی، با روشن‌بینی خاص و اینکه هرگونه تحول موسیقی ایران باید بر مبنای سنتن قدیمی موسیقی ایرانی استوار باشد، در صدد جبران این تغییه برآمد؛ و از آنجا که آقای نورعلی برومدن در اثر ممارست مدام و علاقمندی وافر، شاید بدون اغراق تنها وارد سنت قدیمی موسیقی ایران می‌باشدند، از ایشان دعوت به عمل آورد که تدریس و تعلیم موسیقی سنتی ایران را به عهده بگیرند. مشارکیه، که تاکنون در هیچ‌یک از مؤسسات دولتی و آموزشگاه‌ها، به سبب عدم

پس از ارسال این نامه، محمدامین میرفندرسکی، معاون تعلیمی و تحقیقاتی دانشکده، به منظور تکمیل پرونده ارتقای رتبه برومند، از دو نفر از شخصیت‌های بارز علمی و هنری دانشگاه تهران تقاضا کرد تا در خصوص صلاحیت او برای کسب مقام استادی اظهار نظر کنند.^{۳۴} علی‌محمد حیدریان، دایی برومند و استاد دانشگاه و نقاش معروف، یکی از این شخصیت‌ها بود که اظهار کرد:

استادی آقای نورعلی برومند در زمینه موسیقی اصیل ایرانی قولی است که هنرمندان طراز اول این کشور جملگی برآن‌اند. من تصدیق می‌کنم که آقای برومند تنها وارث شایسته و ممتاز هنر موسیقی سنتی ایران می‌باشد.^{۳۵}

اما اظهار نظر دکتر محسن هشت رو دی، استاد دانشکده علوم دانشگاه تهران، حاوی توصیف‌ها و نکات ویژه‌ای درباره برومند است:

سند شماره ۲
۱۴ بهمن ماه ۱۳۴۷

متجاوز از چهل و پنج سال است که امضا کنده، محسن هشت رو دی، آقای نورعلی برومند را می‌شناسم و از همان زمان که هم‌شنی دبیرستانی بودیم، میزان اطلاع و علاقه ایشان به موسیقی زبان زد همکاران تحصیلی بود. وسعت اطلاع ایشان در سال‌های اخیر با نامرست فنی و درجه‌کننده ایشان را به استادی مسلم موسیقی کلاسیک ایرانی اصیل نائل ساخته است. حدیث هنرشناسی از بی‌ بصیرتی چون من دعوی باطل به نظر می‌رسد؛ ولی ساعات و روزگارهایی که در محضر استاد، مستقیذ از پنجه توانای او بودم، هنوز مرا به خاطر است که چگونه تارهای بی‌جان الات موسیقی به سرانگشت سحرآفرین او کویای رازهای درون مستعین می‌گردید و چه نالمهایی در سکوت مطلق در خاطر آشتفتگان، سوز غوغایی کرد.

گذشت ایام بر هنرمندان چون مردم عادی نیست و بی‌شک کمال فنسانی آنان در پوشیدگی و خفا صورت می‌گیرد. اگر ملاک استادی حصول این کمال باشد، آقای برومند شایسته‌ترین فردی است، که استادان دیگر را با همکاری خود سرفراز و دلخوش می‌سازد. امضا کنده شایستگی آقای برومند را به استادی از صمیم دل و نهان خانه ضمیر تصدیق می‌کنم؛ نه از جهت افتخاری که به استادی نائل شده‌ام، بلکه از جهت بستگی درونی که با هنر

موسیقی در برلن، آقای دکتر تران وانکه، مدیر مرکز مطالعات موسیقی شرقی در اسستیتوی موزیکولوزی پاریس، وابسته به سوبن، و آقای پروفسور رینگر، مدیر گروه موسیقی دانشگاه ایننوی.

آقای برومند در سال ۱۹۶۷ برای ایراد سخنرانی و تدریس موسیقی ایرانی در دانشگاه ایننوی به آمریکا دعوت شدند (مدرک شماره ۲) و تبیجه کارشان در معرفی فرهنگ موسیقی ایران در آنجا بسیار شریخش بود (مدرک شماره ۳). اکنون نیز از طرف آن دانشکده، آقای پروفسور تن با استقاده از بورس فرل برایت به دانشگاه تهران آمده و نزد آقای برومند به فراکرفن اصول موسیقی ایرانی مشغولاند، که در مراجعت به دانشگاه ایننوی، متابعی برای گروه موسیقی آن دانشکده فراهم سازند. آقای تل ضمن گزارشی، نظریه خود را مبنی بر لزوم ثقیلت گروه موسیقی دانشکده ابراز داشته‌اند (مدرک شماره ۴).

با توجه به مقدمات فوق و اهمیتی که تدریس موسیقی سنتی در دانشکده دارد و در این زمینه مدررسی غیر از آقای برومند در ایران وجود ندارد؛ و با توجه به سوابق علمی و فنی آقای نورعلی برومند؛ شورای گروه موسیقی دانشکده هنرها زیما مقام استادی ایشان را تصدیق و برای تصویب در شورای دانشکده پیشنهاد می‌نماید. به منظور جلب نظر اقلایان اعضای شورا، دنباله گزارش آقای پروفسور کی شیوه، ناینده زبان در کنفرانس بین‌المللی آموخت موسیقی در تهران، که در بالا به آن اشاره شد، عیناً نقل می‌شود: «... وزارت آموزش و پرورش زبان روشی برای نگاهداری و حفظ موسیقی سنتی با وضع کردن یک قانون در پیش گرفته است. این قانون به گروهی از موسیقی‌دانان نامی عنوان میراث ملی، داده و ایشان را رسمیتی خاص بخشیده است. این امر موجب تشویق موسیقی سنتی شده است [۴۰۰...]. در پایان می‌خواهم پیشنهاد کم که کشورهایی که می‌خواهند موسیقی کشور خود را مدرنیزه کنند، ناید از موسیقی سنتی خود غفلت ورزند، آنچنان که زبان نا صد سال چنین کاری کرد؛ زیرا من معتقد که هر کشوری با حفظ موسیقی مخصوص خود می‌تواند به گنجینه موسیقی جهان خدمتی شایان کند.»

گروه موسیقی دانشکده هنرها زیما
[امضا: دکتر برکشلی]

[حاشیه راست، اول:] جناب مظاہری، در شورا[ی] دانشکده
مطرح گردد. [امضا: محمدامین میرفندرسکی] ۴۷/۹/۱۸

[حاشیه راست، دوم:] در جلسه مورخ ۴۷/۹/۲۷ شورای دانشکده هنرها زیما مطرح و استادی ایشان مورد تصویب قرار گرفت.

[امضا: مظاہری]^{۳۶}

۱۳۴۶ یاد کرد.^{۴۴}

همچنین باید از تربیت شاگردان بسیاری، همچون محمد رضا شجریان و سید نورالدین رضوی سروستانی در آواز؛ حسین علیزاده، داریوش طلایی، محمد رضا وطنی، جلال ذوالفنون در تار و سه تار؛ مجید کیانی، جلیل عنده‌لبی، هوشنگ کامکار، پرویز مشکاتیان در ستور؛ محمد علی حدادیان و محمد علی کیانی نژاد در فی؛ داود گنجه‌ای و علی اکبر شکارچی در کمانچه یاد کرد، که هر کدام از آنها بعدها از استادان برجسته در رشته خود شدند.^{۴۵}

برومند سرانجام در دوم بهمن ۱۳۵۵ ش در هفتاد سالگی بر اثر سکته قلبی درگذشت و در قبرستان ظهیر الدوّله تهران به خاک سپرده شد.^{۴۶}

در اوایل دهه ۱۳۵۰ ش، سازمان رادیو و تلویزیون ایران ردیف نورعلی برومند را ضبط کرد و بعدها به صورت غیررسمی، با کیفیت نامطلوب، منتشر کرد. در سال ۱۳۷۰ ش نیز ژان دورینگ، شاگرد فرانسوی برومند، متن ثُنْتُ نویسی شده آن را همراه با نوارهای برومند در تهران منتشر کرد. گمومه اجراهای برومند به صورت نوار همراه با کتاب نت ردیف او نیز در سال ۱۳۷۲ ش منتشر شد.^{۴۷}

در پایان، زندگی نامه مختصری به روایت خود برومند عرضه می‌شود، که هم بسیار معتبر است و هم نکته‌های جالبی در بر دارد:

سند شماره ۳

این جانب، نورعلی برومند، فرزند میرزا عبدالوهاب خان برومند، در سال ۱۲۸۵ شمسی در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در مدارس خرد و شرف مظفری به پایان رسانیده و دوره دبیرستان را تا کلاس هشتم در مدرسه دارالفنون طی نموده‌است. سپس برای ادامه تحصیل به آلمان عزیمت، در شهر برلن مشغول تحصیل شد. سپس به ایران مراجعت و مدت یک سالی را که در ایران بود، برای تکمیل زبانهای فرانسه و انگلیسی کوشش فراوان کرد و تمام این مدت را به ادامه تحصیل در این دو زبان به سر بردم؛ و بعد از این یک سال توقف در ایران، در سال ۱۳۰۸ برای ادامه تحصیلات خود در رشته عالی مجدد ا به برلن عزیمت و وارد دانشکده طب دانشگاه دولتی فردیريك ویلهلم در برلن شد. شش سیستر را (دو سال و نیم) طی کرده و با موفقیت امتحان اولیه دوره طب (فیزیکوم) را انجام دادم. بعد از امتحان اولیه طب، پنج سیستر دیگر را طی کردم

سحرآفرین استاد توانا، آقای برومند، داشته و دارم. در این داستان، زمان از گذشت می‌ایستد و ارزش هنری را جز بابی خودی نمی‌توان شناخت. «دقیق‌تر است نهانی که فضل از آن خیزد»؛ و در این آنات، ابدیت جلوه‌می‌کند و از همان لیل‌القدری است که قرآن مجید به «سلام هی حتی مطلع الفجر» یاد می‌کند.

استاد دانشکده علوم

محسن هشت‌زودی [امضا]^{۴۸}

سرانجام، پس از مکاتبات و طی مراحل اداری، برومند به استناد بند ۵ مصوبه بیستمین جلسه هیئت امنای دانشگاه تهران، از اول دی ماه ۱۳۴۸ با حقوق ماهی چهل هزار ریال به سمت استاد تمام وقت گروه موسیقی دانشکده هنرهای زیبا منصوب شد^{۴۹} و پس از خدماتی ارزنده و ماندگار به دانشجویان و گروه موسیقی دانشکده هنرهای زیبا، از اول مهرماه ۱۳۵۵ بازنیسته شد.^{۵۰}

یکی دیگر از مراکزی که برومند در آن منشأ خدماتی ارزنده به موسیقی سنتی کشور شد و در آنجا به تربیت شاگردانی برای نسل‌های بعد پرداخت مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ملی بود. این مرکز، که زیر نظر رادیو و تلویزیون ملی ایران بود، در سال ۱۳۴۹ ش با هدف «بازسازی و اشاعه موسیقی سنتی ایران» با مسئولیت اداری داریوش صفوت و مسئولیت هنری نورعلی برومند تأسیس شد.^{۵۱} به اعتبار حضور برومند، این مرکز مخلفی برای تدریس استادان بزرگی همچون عبدالله دوامی و علی‌اکبر شهنازی و اصغر بهاری شد. برومند پس از چند سال فعالیت در این مرکز، هنگامی که احساس کرد شیوه‌ای که مدیر مرکز برای اشاعه و پیشبرد موسیقی سنتی ایران در پیش گرفته مغایر با اهداف اولیه آن است، در تاریخ ۱۰ مهرماه ۱۳۵۲ از همکاری با مرکز استعفا داد.^{۵۲} و به تدریس در دانشگاه تهران و منزل خود اکتفا کرد.^{۵۳} از دیگر فعالیتهای برومند می‌توان به پیشنهاد برگزاری آزمون باربد، شش ماه پیش از وفات،^{۵۴} همکاری با روح‌الله خالقی در تدوین کتاب سرگذشت موسیقی ایران، ضبط ردیف میرزا عبدالله به منظور تکثیر برای هنرجویان، ضبط ردیف حسین طاهرزاده با صدا و همراهی سه تار برومند، جمع آوری تصانیف و اشعار آنها و ضبط آثار قدیمی^{۵۵} و تدریس چند هفته‌ای در دانشگاه ایلینوی (ایلینویز) امریکا در سمت استاد مدعو در سال

به تدریس زبان و ادبیات آلمانی اشتغال جستم.

در سال ۱۳۴۳ شمسی، به درخواست دانشکده هنرهای زیبای تهران مشغول تدریس و تحقیق موسیقی ایرانی در آن دانشکده شده و با علاقه و پشتکار تاکون تدریس این رشته را ادامه دادم.

راجع به تحصیل و کارهای هنری:

این جانب از زمان طفویلت ذاتاً به موسیقی عشق و علاقه می‌ورزیدم؛ چون پدرم غالباً با بزرگان اهل هنر و موسیقی حشر و نشر داشت و اکثر استاید فن موسیقی اطراف او جمع بودند، نواهای موسیقی در روح اثر فراوان گذاشته بود؛ به طوری که در سن هفت سالگی با نواختن ضرب بمخوبی آشنایی پیدا کردم و در همان ایام، نوازنده‌گی استاید بزرگ را با ضرب هراوهی می‌کردم و تشویق استاید مرا در تعقیب این هنر، که خود فریقته آن بودم، بیش از پیش ترغیب می‌کرد. در سن سیزده سالگی، چون ایام تعطیل تابستان فرارسید، پدرم که خود اهل هنر بود، مرا در تحصیل موسیقی و خوشنویسی تشویق کرد و در انتخاب و تعقیب یکی از این دو هنر مختار نمود. من هم به ساخته ذوق شخصی به موسیقی، دنبال این رشته از هنر را گرفتم. مدت سه سال نزد غلامحسین خان دروش، استاد مسلم تار زمان، یک دوره ردیفهای اصیل موسیقی ایران را نواختم و فراگرفتم. به واسطه عزیمت من به اروپا برای ادامه تحصیل، مدت یکی دو سال تعقیب رشته هنری من موقوف شد؛ ولی از آنجا که موسیقی مرا به سمت خود می‌کشاند، وارد دنیای موسیقی غرب شدم و اهنگهای غربی و اختلاف اهنگسازان آنها مرا به خود مشغول می‌نمود و در آن دنیا پویا عظمت هنر، به تدریج این اختلافات را مورد مطالعه قرار می‌دادم. و پس از چند سال، تقریباً تمام تصنیفات و تأییفات اهنگسازان بزرگ دنیا در خاطرم نتش بسته و تمیز و تشخیص آنها برابم می‌رسید. مریان من در آن زمان که این استعداد را در من مشاهده نمودند، مرا تشویق کردند که به تحصیل موسیقی غربی پردازم و چند سالی در این رشته تحصیل و مطالعه کدم و پیانو نواختم.

حس ملیت و اطلاعات من در موسیقی ایرانی این آرزوی مرا که همیشه با خود فکر می‌کردم که لازم است تحقیق و مطالعه فراوان در موسیقی کشور خود بنمایم، از بد و مراجعت به ایران، یعنی از سال ۱۳۱۷ شمسی برای انجام این کار بزرگ و دقیق کم هست بستم و تاکون لحظه‌ای از آن غافل نبودم؛ بطوری که استاد مطلع و سرشناصی در مملکت نبود که از محضرش استقاده نکم و یا از شاگردی اش بهرمند نشوم؛ و تمام هم و قصد من این بود که آنچه آنها دارند فرآگیرم. به همین نظر، مدت دوازده سال نزد حبیب

سماوزر (ز جمله سال است) می‌گذرد. گزینه دویزه و زیوره و میکم دارم هزار هزار تومان
درست خودم مزده طلبی عدم داشتم، برای چشمی ناچار خلاصه کنم بود. بحث طیم این دسخوار فیزی
هزار تومان در خود را می‌گذرد که همچنان در این مدت هنر را باز است. عذر می‌خواهم
از مصیره میکنم و همچنان طنز داشتم، دسخوار در درآمد که همچنان در خود را بخواهد نداشتم
هنوز در کارهای داشتم که ممکن است، که این آنکه می‌توانم هر گاهی که کوئی از این دویزه
و میکم نداشتم در این مدت هنر را باز نخواهم کرد.
آنچه زیرینه داشتم خود را باز نخواهم کرد.
گزینه این داشتم خود را باز نخواهم کرد که این در پیش از این مدت هم در خود را باز نخواهم کرد.
گزینه دادم همان مطالعه این کار را باز نخواهم کرد، می‌خواهم خود را باز نخواهم کرد.
که این داشتم خود را باز نخواهم کرد، همان مطالعه این کار را باز نخواهم کرد.
از مطالعه این کار را باز نخواهم کرد که این داشتم خود را باز نخواهم کرد، همان مطالعه این کار را باز نخواهم کرد.
درین راستان؛ بدل داشتم که این داشتم خود را باز نخواهم کرد، بگزینه همان را باز نخواهم کرد.
دویزه این داشتم خود را باز نخواهم کرد، مطالعه این کار را باز نخواهم کرد.


(در مدت دو سال و نیم). موقعی که می‌خواستم خود را برای امتحان نهایی طب آماده نمایم، حادثه غیرمنتظره‌ای برای این جانب پیش آمد کرد؛ به این معنا که چشم خونزیری شدید نمود. اطبای متخصص چشم، که خود استادان این جانب در دانشکده بودند، مرا منع از دادن امتحان و کار زیادتر کردند. در تیجه اجباراً به معالجه چشم پرداختم و به توصیه اطباء، که شدیداً مرا از کار طبابت منع می‌نمودند، تاگیر به ترک رشته پژوهشی شده و به تهران مراجعت نمودم.

ضمناً در مدت چهارده سالی که در اروپا مقیم بودم، به مناسبت عشق و ذوقی که شخصاً به زبان و ادبیات داشتم، علاوه بر تحصیل این دو زبان، مسافرت‌هایی که در ایام تعطیلات به شهرهای فرانسه و انگلستان و بلژیک می‌کردم، به تسلط من در این دو زبان کمک فراوان می‌کرد. تسلط و علاقه شخصی من به این سه زبان و ادبیات آنها، مرا پس از مراجعت به ایران بر آن داشت که به تدریس زبان مشغول شوم. به همین مناسبت، به استخدام وزارت فرهنگ وقت (آموزش و پرورش کوئی) در آمد و از سال ۱۳۱۸ شمسی تا سال ۱۳۴۳ در هنرسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران

دانشگاه ایلینویز با دانشکده هنرهای زیبا تایل بسیار دارد.
با تقدیم احترام
نورعلی برومند^{۲۸}

سماعی، که بزرگترین و آخرین استاد مطلع این ساز شناخته بود، به زدن سنتور و آموختن ردیف و آگاهی به رموز نوازنده‌گی این ساز مشغول شدم. و مدت سیزده سال از یکی از استادی‌تار، به نام اسماعیل فهرمانی، که به دانستن ردیف موسیقی ملی مشهور بود و از معمرین اهل فن به شمار می‌آمد، استقاده کردم و تمام مطالبی که این استاد از موسیقی ملی ایران در ضبط داشت آموختم و نواختم. و با اینکه از صوت خوش بی‌تصیب بودم، برای اطلاع از رموز خوانندگی، از وجود یکی از مشهورترین خوانندگان اصیل عصر خود، به نام سیدحسین طاهرزاده، استقاده کردم و آنچه طاهرزاده در خوانندگی خود به کار می‌برد آنها را به وسیله خود از روی نوار ضبط کردم و به تبع و مطالعه دقیق روی آنها می‌پرداختم، تا بتوانم حالات الحان و نغمات ملی را هم روی ساز و هم روی آواز بهخوبی مقایسه کنم و خصوصیات آنها را دریابم.

با توجه به اینکه سه تار یکی از سازهای اصیل و قدیمی و کامل موسیقی ایرانی است و معمولاً بزرگان اهل دل و داشمندان صاحب ذوق و هنر از آن استقاده می‌کردند و از سازهای مجالس عیش و طرب نبود؛ این ساز، که نوازنده‌گی این ساز اصیل و اهل دل هم کوشش کنم. این بود که از چند تن استاد مسلم این فن استقاده کردم و سال‌ها در آن تعریف و ممارست نمودم. خلاصه اینکه هر کجا و هر گوشه که اطلاع پیدا می‌کرم که آهنگ اصیلی وجود دارد، اقدام در آموختن و به دست آوردن آن می‌کرم و آنها را در مغز خود ضبط می‌نمودم؛ و هنوز نیز در جستجوی آهنگ‌های اصیل هستم.

در سال ۱۳۴۵ شمسی، با آقای پروفسور دکتر تل، که برای مطالعه موسیقی ایرانی از دانشکده موسیقی دانشگاه ایلینویز به تهران آمده بود، تصادف کردم؛ و مشارکیه پس از دو جلسه که از اطلاع من به موسیقی ملی ایران وقوف حاصل کرد، اقدام نمود که دانشگاه ایلینویز رسمیاً به وسیله دانشکده هنرهای زیبای تهران از این جانب دعوت به عمل آورد که مدت یک ماه یا چند ساعت تدریس در هفته به عنوان «ویزیتینگ پروفسور» در دانشکده دانشگاه ایلینویز دانشجویان فوکلیسانس آن دانشکده را به موسیقی ایرانی وارد نمایم. این کار با موفقیت فوق العاده انجام شد و مدارک این موفقیت در پرونده موجود و شاهد آن است. موفقیت این جانب به اندازه‌ای بود که دانشجویان و استادی‌آمريكایی به طوری علاقمند به موسیقی ملی ما شدند که هم اکون آقای پروفسور تل مجدداً برای مطالعه موسیقی ملی ما برای مدت یک سال به تهران آمده و با راهنمایی این جانب مشغول تبع و تحقیق و تعریف است و به حفظ روابط هنری

کتاب‌نامه

بهاری، اصغر. «نورعلی خان، موسیقی مجسم بود». در: احمد کریمی (و.).
نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران.
برکشلی، مهدی. «مرگ برومند، فقدان جیران ناپذیر». در: احمد کریمی (و.).
نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران.
برومند، محمودعلی. «گفت‌و‌گو با مهندس محمودعلی برومند». در: احمد کریمی (و.).
نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران.

پرونده پرسنلی نورعلی برومند. در: بایگانی راکد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران.
حدادیان، محمدعلی. «استاد استادان». در: احمد کریمی (و.). نورعلی برومند.
زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران.
خالقی، روح‌الله. «خالقی از برومند می‌گوید». در: احمد کریمی (و.). نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران.
شکارچی، علی‌اکبر. «برومند؛ انسان، هنرمند، مربی». در: احمد کریمی (و.).
نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران.
علیزاده، حسین. «استاد برومند و مرکز حفظ و انشاعه موسیقی ملی». در: احمد کریمی (و.).
نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران.
—. «از اولین تا آخرین دیدار». در: احمد کریمی (و.). نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران.
کامکار، پشنگ. «مردی بزرگ با روحی بزرگ». در: احمد کریمی (و.).
نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران.
کریمی، احمد (و.). نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران. تهران: دوست، ۱۳۸۰.

لطفي، محمد رضا. «شیوه نوازنده‌گی و نگرش استاد برومند به موسیقی سنتی ایران». در: احمد کریمی (و.). نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران.
میرعلی‌تقی، علیرضا. مدخل «برومند، نورعلی». در: دانشنامه جهان‌اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۸.
تبل، برونو. «نورعلی برومند، استاد موسیقی». در: احمد کریمی (و.). نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران.

پی‌نوشت‌ها:

۱. عضو هیئت علمی فرهنگستان هنر
۲. اصغر بهاری، «نورعلی خان، موسیقی مجسم بود»، ۳۸.
۳. مهدی برکشلی، «مرگ برومند، فقدان جبران تا پذیر»، ۴۲.
۴. پشنگ کامکار، «مردی بزرگ با روحی بزرگ»، ۱۳۵.
۵. علی‌اکبر شکارچی، «برومند: انسان، هنرمند، مردمی»، ۱۱۷.
۶. روح‌الله خالقی، «خالقی از برومند می‌گوید»، ۲۸.
۷. پرونده برستلی نورعلی برومند (سند شماره ۳ در مقاله حاضر)، با یگانه راکد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران.
۸. محمودعلی برومند، «گفت‌وگو با مهندس محمودعلی برومند»، ۶۶.
۹. پرونده برستلی نورعلی برومند.
۱۰. محمودعلی برومند، «گفت‌وگو با مهندس محمودعلی برومند»، ۶۶-۶۷.
۱۱. پرونده برستلی نورعلی برومند.
۱۲. محمودعلی برومند، «گفت‌وگو با مهندس محمودعلی برومند»، ۴۷.
۱۳. همان‌جا.
۱۴. برونو نیتل، «نورعلی برومند، استاد موسیقی»، ۲۰۰.
۱۵. محمودعلی برومند، «گفت‌وگو با مهندس محمودعلی برومند»، ۴۷.
۱۶. برونو نیتل، «نورعلی برومند، استاد موسیقی»، ۲۰۰.
۱۷. پرونده برستلی نورعلی برومند.
۱۸. محمودعلی برومند، «گفت‌وگو با مهندس محمودعلی برومند»، ۴۷.
۱۹. پرونده برستلی نورعلی برومند.
۲۰. برونو نیتل، «نورعلی برومند، استاد موسیقی»، ۲۰۲.
۲۱. پرونده برستلی نورعلی برومند.
۲۲. همان.
۲۳. همان.
۲۴. اسماعیل قهرمانی، «درختی برومند»، ۳۲-۳۱.
۲۵. پرونده برستلی نورعلی برومند.
۲۶. محمدعلی حدادیان، «استاد استادان»، ۸۳.
۲۷. پرونده برستلی نورعلی برومند.
۲۸. همان.
۲۹. همان.
۳۰. محمودعلی برومند، «گفت‌وگو با مهندس محمودعلی برومند»، ۵۶.
۳۱. پرونده برستلی نورعلی برومند.
۳۲. پرونده برستلی نورعلی برومند، سند ش ۳۳۱۳.
۳۳. همان‌جا.
۳۴. پرونده برستلی نورعلی برومند، سند ش ۶۸۸۵.
۳۵. همان، ضمیمه سند ش ۶۸۸۵.
۳۶. پرونده برستلی نورعلی برومند.
۳۷. همان، ضمیمه سند ش ۴۵۸۱.
۳۸. همان، صورت جلسه مورخ ۱۳۵۵/۸/۲۶ شورای دانشکده.
۳۹. حسین علیزاده، «استاد برومند و مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ملی»، ۲۲۵.
۴۰. محمودعلی برومند، «گفت‌وگو با مهندس محمودعلی برومند».